

تحلیل علائم ظهور از منظر روایات زیدیه

محمد اشرف*

مصطفی صادقی**

چکیده

در تحلیل علائم ظهور با تأکید بر فرقه زیدیه که به روش تحلیلی توصیفی نگاشته شده نتایج حاصله حاکی از آن است که با توجه به کثرت روایات در ارتباط با سفیانی و ذکر آنها در منابع امامیه و صحیح السنند بودن برخی از آنها، امکان رد تمام احادیث این باب وجود ندارد لذا می توان با پذیرش اصل اخبار سفیانی، درباره جزئیات مربوط به آن قائل به توقف شد، «خسف بیداء» به معنای فرو رفتن در زمین که بعد از اعلام ظهور توسط امام مهدی (عج) سفیانی سپاه خود را به دنبال ایشان می فرستد و آنها در سرزمین پیدا «بین مکه و مدینه» در زمین فرو رفته و همه سپاهش نابود می شوند، خروج یمانی اجمالاً از علائم حتمی ظهور است، هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی روشن نیست. قتل نفس زکیه می تواند به عنوان یک پیش گویی درباره ظهور صحیح باشد، احادیث مربوط صیحه آسمانی در حد تواتر است؛ و در تحلیل علائم غیر حتمی ظهور از دیدگاه زیدیه دانسته شد مراد از روایات رایات سود، خروج و انقلاب ابومسلم خراسانی علیه بنی امیه می باشد، به همین جهت از علائم قبل از ظهور که مدت زمان زیادی از رخ دادن آن سپری شده به حساب می آید و زیاد شدن فسادها و آلودگی ها در میان مردم، در واقع، نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. جنگ های خونین، در همان واقعه ی خروج سفیانی و آشوب های آن زمان است و حادثه ای جداگانه ای نیست. این احتمال نیز وجود دارد که منظور از این روایات، درهم

* دانش آموخته کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

ashraf1254184@gmail.com،

** دانشیار رشته تاریخ اهل بیت (ع)؛ sadeqi48@yahoo.com



کوبیدن مستکبران و دشمنان حق و عدالت باشد که در زمان ظهور و به دست مهدی (ع) انجام می‌شود، بنابراین از وقایع دوران ظهور است، نه نشانه ظهور؛ منظور از طلوع خورشید از مغرب، کنایه از ظهور حضرت مهدی (ع) است؛ همان‌گونه که خورشید، پس از غروب، طلوع می‌نماید، حضرت مهدی (ع) نیز، پس از سپری شدن عصر غیبت، ظهور می‌کند.

واژگان کلیدی: علائم، ظهور، زیدیه، علائم حتمی، علائم غیر حتمی

مقدمه

حوادثی که در آستانه ظهور حضرت حجت (عج) رخ خواهند داد، علائم ظهور می‌باشند و پدیدار شدن هر کدام از آنها، علامتی بر نزدیکی ظهور است و با تحقق تمامی این علائم حضرت مهدی (عج) ظهور خواهند نمود.

مهدویت از جمله مسائلی است که در فرق مختلف اسلامی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است از جمله فرقه‌هایی که در نزد آنها باور مهدویت ریشه دارد فرقه زیدیه است که در روایات آنها مباحث مهدویت از جمله علائم ظهور بحث گردیده است، با توجه به اینکه زیدیه تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و هنوز هم از فرقه‌های مطرح جهان اسلام به ویژه در یمن می‌باشد که این امر سبب گشته آثار مختلفی در ارتباط با تاریخ، فرهنگ و عقاید آنان نگاشته شود اما در این بین بحث ریشه‌ای مهدویت بویژه علائم ظهور در زیدیه کمتر مورد کنکاش علمی قرار گرفته به همین جهت در این مقاله تلاش می‌شود تا به تحلیل علائم ظهور با تأکید بر فرقه زیدیه پرداخته شود.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. علائم

علائم جمع عَلم که در لغت به معنی پرچم و بیرق آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۹) برخی نیز آن را به معنی نشانه شناسایی راه دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۲)، همچنین به معنای نشانه شناخت چیزی از چیز دیگر (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۹) در بحث مهدویت علائم عبارت‌اند از نشانه‌هایی که برای بشارت، تقویت اعتقادی و شناسایی یا هشدار نسبت به وقوع ظهور به وقوع می‌پیوندند.

۱-۲. ظهور

ظهور در لغت به معانی مختلفی ذکر شده از جمله انکشاف و بروز (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۰۱)؛ اعلان و جهر (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۷۱)؛ اطلاع پیدا کردن از چیزی (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۵۲۶)؛ غلبه (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۰۱) و قدرت. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۷۱)

در اصطلاح امامیه ظهور عبارت است از ظاهر شدن امام زمان (عج) بعد از غیب کبری برای اقامه عدل و تشکیل حکومت جهانی. (سلیمانیان، ۱۳۸۳، ص ۲۶۷)

۱-۳. زیدیه

زیدیه از فرقه‌های شیعه که پیروان آن معتقدند (شهرستانی، ۱۹۵۶، ج ۲، ص ۱۰۰) پس از امامت حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) و زید بن علی، امامت به هر مردی از اولاد حضرت فاطمه (س) می‌رسد که مردم را به امامت خود دعوت کند و در ظاهر، عادل، عالم و شجاع باشد و مؤمنان با او برای جهاد بیعت کنند (شریف، ۱۴۱۱، ص ۱۲۸). این فرقه در سال‌های آغازین قرن ۲ هجری قمری/هشتم میلادی از شیعه منشعب شد. اعتقاد به قیام و مبارزه از ویژگی‌های مهم زیدیه است (اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵). زیدیان در طول تاریخ در طبرستان، مغرب، یمن حکومت تشکیل دادند. (فرمانیان، ۱۳۸۶، ص ۵۸) امامان زیدیه در یمن در حدود یازده قرن بر یمن حکومت کردند. آخرین دولت امامان زیدیه در یمن در کودتای جمهوری خواهان و سکولارها در سال ۱۹۶۲ میلادی از بین رفت و جمهوری یمن تشکیل شد. (شیخ حسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۰-۲۳۸)

۲. علائم حتمی ظهور

در این قسمت از تحقیق به بررسی علائم حتمی ظهور از منظر روایات زیدیه و بررسی آنها می‌پردازیم.

مراد از علائم حتمی آن دسته از نشانه‌های ظهور است که رخ دادن آنها بدون قید و شرط به صورت الزام و قطعی می‌باشد و تا زمانی که آنها رخ ندهند ظهور صورت نخواهد گرفت و در صورت که شخصی قبل از رخ دادن این‌گونه علائم مدعی ظهور مهدی (ع) گردد، ادعایش نادرست است.



۱-۲. خروج سفیانی

از دیگر علانم حتمی ظهور که منابع زیدیه به آن پرداخته‌اند خروج سفیانی می‌باشد، قاسم بن محمد امام زیدیه یمن در قرن یازدهم هجری در نامه‌ای که بر مردم حیمه در رد ادعای مهدویت یک مدعی مهدویت به نام ناصر بن محمد می‌نویسد در قسمتی از این نامه روایتی به نقل از جابر از امام صادق (ع) نیز ذکر می‌کند که در آن علانم ظهور را برشمرده‌اند: «ای جابر بر زمین بنشین و دست و پایت را تکان نده (سکوت کن) تا اینکه نشانه‌هایی را که ذکر می‌کنم را ببینی، اگر درک کنی آنها را (تا آن زمان زنده باشی)، اولی: اختلاف بین بنی عباس است آن‌چنان که نمی‌توانی درک کنی، بعد از من اتفاقی می‌افتد که منادی از آسمان ندا می‌دهد که وای بر شما. این صدا از طرف دمشق است. روستایی از روستاهای شام که جائفه نام دارد در خاک فرو می‌رود و کنگره سمت راست مسجد دمشق فرو می‌افتد. انحرافی در ترکها نفوذ می‌کند. بعضی از این انحراف‌ها روم را سر درگم می‌کند و ترکها در جزیره‌ای فرود می‌آیند و دومها در بیابان رملی. در این سال اختلافات زیادی در همه جای زمین اتفاق می‌افتد و سه دسته در شام با هم اختلاف پیدا می‌کنند، اصهب و ایقع و سفیانی که اصهب می‌جنگد. هیچ هدفی بر ایشان نمی‌ماند مگر اینکه به سوی عراق فرار کنند و سپاهیان را از قرقیسیان عبور می‌دهد و در آنجا می‌جنگند. هفتاد هزار نفر از ستمگران را می‌کشند و از اهل کوفه نیز کشته می‌شوند و به صلیب کشیده می‌شوند و اسیر می‌شوند. (از هر دو سپاه) زمانی که با سپاه خراسان رو به رو می‌شوند در حالی که منازل را خیلی سریع پشت سر گذاشته بودند. ایشان از یاران مهدی هستند و مردی از موالی اهل کوفه بر آنجا به صف آنها خروج می‌کند. سردار سپاه سفیانی او را در بیداء می‌کشد و منادی از آسمان ندا پشت برمی‌گرداند. گفت: خدا برای مهدی ۳۱۳ مرد را گرد هم می‌آورد و خدا آنها را دور هم جمع می‌کند. همانند جمع کردنی ابرهای پراکنده که با او در میان رکن و مقام بیعت می‌کنند» (صعدی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۱-۱۴۲).

ابن عقده از محمد بن مسلم نقل می‌کند که شنیدم ابا جعفر (امام باقر) علیه السلام می‌فرمود: «آیا مشاهده نمی‌کنید که عدو شما بر سر عصیان الهی با یکدیگر می‌جنگند و برای دنیا همدیگر را به قتل می‌رسانند و با شما کاری نداشته و شما در خانه هایتان در آسایش و از آنها دور هستید، برای عذاب دشمنانتان سفیانی بس است وی از علائمی است که به نفع شما می‌باشد این فاسق زمانی که خروج می‌کند یک یا دو ماه بعد از خروجش برای شما ناراحتی رخ نخواهد داد تا زمانی که افراد بسیاری را به غیر از شما به قتل برساند.» (فهری، ۱۳۶۲، ص ۳۵۳)

همچنین وی از یعقوب بن یزید از زیاد قندی از چند نفر یارانش نقل می کند که به امام صادق (ع) گفتیم: «سفیانی از امور حتمی است؟ فرمود: بله». (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵)

بررسی

خروج سفیانی در منابع امامیه نیز از علائم حتمی ظهور دانسته شده است، چنانکه امام علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل نموده اند: «ده نشانه می باشد که به طور قطع پیش از قیامت رخ خواهند داد که یکی از آنان سفیانی می باشد.» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۵)

امام باقر (ع) در روایتی چنین فرموده اند: «سپاهی را سفیانی به سمت مدینه گسیل می دارد و مهدی به سمت مکه روانه می شود، سفیانی عده ای را در پی او می فرستد ولی آنان به ایشان نمی رسند تا وقتی که مهدی با خوف به مکه وارد می گردد، در این زمان سپاه سفیانی به وادی پیدا گام می نهند که منادی ندا سر می دهد: ای بیداء این قوم را در خود فرو ببر؛ و این منطقه به گونه ای آنها را می بلعد که تنها از آنان سه نفر نجات می یابند.» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰)

امام صادق (ع) نیز خروج سفیانی را حتمی دانسته اند (همان، ص ۴۳۵) و امام زمان (عج) در توقیعی به محمد سمیری فرموده اند: «هرکس ادعای مشاهده قبل از خروج سفیانی و صحیحه نماید او دروغگو و افترازننده است» (همان، الغیبه، ص ۳۹۵)

با توجه به کثرت روایات مربوط به سفیانی در منابع معتبر و صحیح بودن اسناد برخی از آنها، امکان رد تمامی این روایات نیست و می توان با قبول اصل اخبار سفیانی، درباره جزئیات مربوط به آن قائل به توقف شد. (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳-۲۰۴)

۲-۲. خسف بیداء

خَسْفِ بیداء، یا خسف در بیداء، به معنای فرورفتن سرزمین بیداء است و منظور از آن فرو رفتن و نابودی لشکر سفیانی در سرزمین بیداء - بیابانی بین مکه و مدینه - است. این حادثه در برخی روایات زیدیه یکی از علائم قطعی ظهور دانسته شده است

قاسم بن محمد امام زیدیه یمن در قرن یازدهم هجری در نامه ای که بر مردم حیمه در رد ادعای مهدویت یک مدعی مهدویت به نام ناصر بن محمد می نویسد در قسمتی از این نامه روایتی به نقل از جابر از امام صادق (ع) نیز ذکر می کند که در آن علائم ظهور را برشمرده اند: «ای جابر بر زمین بنشین و دست و پایت را تکان نده (سکوت کن) تا اینکه نشانه هایی را که ذکر می کنم را ببینی، اگر درک کنی آنها را (تا آن زمان زنده باشی)، اولی: اختلاف بین بنی عباس است آنچنان که نمی توانی



درک کنی، بعد از من اتفاقی می افتد که منادی از آسمان ندا می دهد که وای بر شما. این صدا از طرف دمشق است. روستایی از روستاهای شام که جائقه نام دارد در خاک فرو می رود» (صعدی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۱-۱۴۲)

همچنین ابن عقده از علی بن حسن بن فضال از یعقوب بن یزید از زیاد قندی از چند نفر یارانش نقل می کند که به امام صادق (ع) گفتیم: «سفیانی از امور حتمی است؟ فرمود: بله کشته شدن نفس زکیه هم حتمی است، قائم حتمی است، فرو رفتن زمین در بیداء حتمی است». (محمدبن ابراهیم نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵)

بررسی

در روایات امامیه نیز به خسف بیداء اشاره شده است، امام صادق علیه السلام آن را امری حتمی دانسته (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۴) و می فرمایند: «برای قائم پنج علامت است که از جمله آن ها، خسف بیداء». (همان، ص ۲۵۲)

در نتیجه می توان گفت یکی از علائم ظهور که از نشانه های حتمی است «خسف بیداء» به معنای فرو رفتن در زمین است؛ جریان این فرو رفتن نیز بدین شکل است که بعد از اعلام ظهور توسط حضرت مهدی (عج) سفیانی سپاه خود را به دنبال او می فرستد و آنها در سرزمین بیدا که بین مکه و مدینه است در زمین فرو رفته و همه سپاه نابود می شود.

۲-۳. خروج یمانی

از جمله علائمی که برای ظهور مهدی در منابع زیدیه وارد شده مسئله کشته شدن نفس زکیه می باشد. در کتاب درر الاحادیث النبویه چنین آمده است از جمله علائم ظهور مهدی عبارتند از: خروج سفیانی،... خروج فردی یمانی. (یحیی بن حسین، ۱۴۲۱، ص ۱۳۹-۱۴۲)

همچنین احمد بن محمد بن سعید ابن عقده روایتی را از امام باقر (علیه السلام) ذکر می کند که آن حضرت فرمود: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یکماه و یک روز خواهد بود (فهری، ۱۳۶۲، ص ۲۹۹) با نظامی که گوئی برشته کشیده شده است بدنبال هم شود و از هر سو هیبت فراگیر شود وای بر کسی که با آنان ستیزد و در میان پرچمها راهنمونتر از پرچم یمانی نباشد تنها او پرچم هدایت خواهد بود زیرا بصاحب شما دعوت خواهد کرد، پس هنگامی که یمانی خروج کرد خرید و فروش اسلحه بر مردم و بر هر مسلمانی حرام خواهد بود و چون یمانی خروج کرد باید بسوی او نهضت کنی که پرچمش پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی روا نباشد که از

آن پرچم روی بگرداند و هر کس که چنین کند او از اهل آتش است زیرا او بحق و براه راست دعوت خواهد کرد. (همان)

بررسی

در ارتباط با یمانی روایات متعددی در منابع روایی امامیه وجود دارد، چنانکه از امام صادق (ع) نقل شده است: «قیام خراسانی و سفیانی و یمانی، در یک سال و در یک ماه و یک روز خواهد بود و در این میان، هیچ پرچمی به اندازه پرچم یمانی، دعوت به حق و هدایت نمی کند.» (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲) و در روایات دیگری از خروج یمانی به عنوان امری حتمی یاد شده است. (همان) با توجه به روایات وارده می توان گفت خروج یمانی، اجمالاً از علائم حتمی ظهور است، هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی روشن نیست.

۴-۲. قتل نفس زکیه

از جمله علائم که برای ظهور در منابع زیدیه وارد شده مسئله کشته شدن نفس زکیه می باشد، در کتاب درر الاحادیث النبویه چنین آمده است از جمله علائم ظهور عبارتند از: خروج سفیانی، کشته شدن فردی از تبار حسین (ع)... کشته شدن نفس زکیه همراه با هفتاد نفر از صالحین. (یحیی بن حسین، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۷۱)

همچنین ابن عقده از علی بن حسن بن فضال از یعقوب بن یزید از زیاد قندی از چند نفر یارانش نقل می کند که به امام صادق (ع) گفتیم: سفیانی از امور حتمی است؟ فرمود: بله کشته شدن نفس زکیه هم حتمی است. (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵)

بررسی

کشته شدن فردی به نام «نفس زکیه» در روایات امامیه نیز از علائم ظهور به شمار می رود، امام باقر علیه السلام فرموده اند: «به یاران خویش قائم چنین می فرماید: ای قوم! اهالی مکه مرا نمی خواهند اما من فرستاده ای نزدشان گسیل می کنم تا با آنان به محاجه برخیزد، در این حین فردی از یارانش را طلبیده و به وی می گوید: به سمت مکه رفته و به آنان بگو: ای اهالی مکه من فرستاده مهدی هستم که می فرماید: ما اهل بیت رحمت و معدن و خلافت، ذریه پیامبر (ص) و خلاصه انبیاء هستیم و مورد ظلم و ستم واقع گردیده ایم، آنان که حقشان بعد از رحلت پیامبر (ص) تا کنون غصب شده و از شما درخواست یاری می نمایم؛ فرستاد ایشان بعد از ابلاغ پیام امام به



اهالی مکه دستگیر و در بین رکن و مقام سرش را قطع می نمایند و این فرد همان نفس زکیه است.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷)

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که «بین قیام قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه بیشتر از پانزده شب فاصله نیست.» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۴)

حال باید دید این احادیث بر محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب معروف به نفس زکیه است که در دوره منصور عباسی قیام نمود قابل صدق است یا خیر؟

قراین حاکی از این است که «نفس زکیه» در این روایات با محمد بن حسن متفاوت می باشد زیرا در این روایات فاصله بین ظهور امام و کشته شدن وی را پانزده شب گفته شده در حالی که محمد بن حسن هزار سال قبل کشته شده است و از سوی دیگر محمد بن حسن قبل از ولادت امام زمان (عج) به قتل رسیده و شخصیت وی نیز از لحاظ ادعای مهدویت نمودنش جای بحث دارد. (اصفهانی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱)

۵-۲. صیحه آسمانی

از علائم حتمی ظهور در منابع زیدیه صیحه آسمانی است، ابن عقده از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: صیحه بجز در ماه رمضان نخواهد شد [زیرا ماه رمضان] ماه خدا است [و صیحه در آن ماه است] و آن صیحه جبرئیل است که برین مردم میزند. سپس فرمود: آواز دهنده ای از آسمان بنام حضرت قائم آواز میدهد و هر که در خاور و باختر است میشنود، خفته ای نماند مگر آنکه بیدار شود و ایستاده ای نماند مگر آنکه بزانو در می آید و نشسته ای نماند مگر آنکه از وحشت آن صدا بر دو پای خود بایستد، پس خدا رحمت کند کسی را که از آن صدا عبرت بگیرد و پاسخ گوی آن شود که صدای نخستین صدای جبرئیل و روح الامین است. (سید احمد فهری، ۱۳۶۲، ص ۲۹۷)

قاسم بن محمد امام زیدیه یمن در قرن یازدهم هجری در نامه ای که بر مردم حیمه در رد ادعای مهدویت یک مدعی مهدویت به نام ناصر بن محمد می نویسد در قسمتی از این نامه روایتی به نقل از جابر از امام صادق (ع) نیز ذکر می کند که در آن علائم ظهور را برشمرده اند: «ای جابر بر زمین بنشین و دست و پایت را تکان نده (سکوت کن) تا اینکه نشانه هایی را که ذکر می کنم را ببینی، اگر درک کنی آنها را (تا آن زمان زنده باشی)، اولی: اختلاف بین بنی عباس است آنچنان که نمی توانی

درک کنی، بعد از من اتفاقی می افتد که منادی از آسمان ندا می دهد که وای بر شما. این صدا از طرف دمشق است.» (صعدی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۱ - ۱۴۲)

همچنین ابن عقده از علی بن حسن بن فضال از یعقوب بن یزید از زیاد قندی از چند نفر یارانش نقل می کند که به امام صادق (ع) گفتیم: «سفیانی از امور حتمی است؟ فرمود: بله کشته شدن نفس زکیه هم حتمی است، قائم حتمی است، فرو رفتن زمین در بیداء حتمی است، دستی که از آسمان آشکار شود و ندای آسمانی (هم حتمی است). گفتم نداء چیست؟ فرمود: آواز دهنده ای که نام قائم و نام پدرش را می گوید.» (نعمان، ۱۳۸۷، ص ۲۶۵)

بررسی

در روایات امامیه نیز ندای آسمانی از علائم حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته شده است، چنانکه ابی حمزه ثمالی نقل می کند: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «آیا خروج سفیانی از علائم حتمی است؟ فرمود: آری؛ و ندا نیز از علائم حتمی ظهور است» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۷۱)

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده اند: «پنج علامت است که قبل از قیام قائم در خارج تحقق می یابد، آن گاه یکی از آن ها را ندای آسمانی برمی شمارند» (صدوق، ۱۳۸۲، ص ۶۴۹)

لذا می توان گفت احادیث مربوط به ندای آسمانی در حد تواتر است، به طوری که جای هیچ گونه شک و شبهه ای در این مورد باقی نمی گذارد.

۳. علائم غیر حتمی و معلق

در این بخش از نوشتار به بررسی علائم غیر حتمی ظهور از دیدگاه روایات زیدیه و بررسی آنها می پردازیم. مراد از علائم غیر حتمی و معلق آن است که با توجه به شرایط و خصوصیات محقق گردند و ممکن است که محقق نشده یا در آن تقدیم و تأخیر شود. در ادامه برخی از اهم علائم غیر حتمی ظهور در نزد زیدیه را مورد بحث قرار خواهیم داد:

۱-۳. رایات سود

ابن عقده از امام علی علیه السلام روایت نقل می کند که آسیابی باید به حرکت در آید و همان زمان که به صورت کامل به حرکت افتاده و پابرجا گردید، فردی قسی القلب و بی نسب را خداوند بر می انگیزد که پیروزی همراهش است و اصحابش با موهای بلند، سیلپهای کلفت و لباسهای سیاه و



پرچم‌های سیاه در دست خواهند داشت، وای بر فردی که با آنها درگیر شود که بی درنگ به قتل می‌رسد... (فهری، ۱۳۶۲، ۳۰۰)

قاسم بن محمد امام زیدیه یمن در قرن یازدهم هجری در نامه‌ای که بر مردم حیمه در رد ادعای مهدویت یک مدعی مهدویت به نام ناصر بن محمد می‌نویسد، روایاتی را نقل می‌کند که در آن به علائم ظهور اشاره رفته است، از جمله روایتی از محمد حنفیه نقل کرده است که «در آخر الزمان علمی در خراسان بلند می‌شود و پس از آن علمی دیگر، پیروانی می‌آیند که لباس هایشان سفید رنگ است و در پیشاپیش ایشان مردی از قبیله بنی تمیم است که وی را شعیب بن صالح می‌خوانند، در کنار در دروازه اصطخر گرد هم می‌آیند و بینشان جنگی خونین درمی‌گیرد. سپس پرچم‌های سیاه رنگی بالا خواهند رفت. این هنگام است که مردم آرزوی ظهور مهدی را می‌کنند».

ابن عقده از احمد دینوری از علی بن حسن کوفی از عمیره دختر اوس از جدش حصین بن عبد الرحمن از عبد الله بن ضمیره از کعب الاحبار نقل کرده است: «...قائم از فرزندان علی (ع) است... پس از غیب شدن او همراه با طلوع ستاره ای قرمز و ویرانی ری، بغداد و خروج سفیانی و درگیری بنی عباس با ارمنستان و آذربایجان ظهور خواهد نمود؛ جنگی که در نتیجه آن هزاران نفر کشته می‌شوند و هر کس خنجر کشیده داشته باشد و پرچم‌های سیاه بر آن سایه انداخته و مگر سرخ و طاعون به آن نوید می‌دهند. (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹)

بررسی

پرچم‌های سیاه به عنوان نشانه ظهور مهدی (عج) در منابع امامیه نیز ذکر گردیده است؛ از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: «جوانی بر علیه سفیانی از شرق قیام می‌کند و مردم به سوی اهلبیت رسول خدا (ص) فرا می‌خوانند، آنها دارای پرچم‌های سیاه می‌باشند، افرادی هستند که در زمین مورد ستم واقع گردیده اند و خدا آنها را عزتمند نموده و یاری خواهد کرد. با کسی وارد جنگ نمی‌شوند مگر این که آنان را نابود نمایند...» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۹۶)

از سوی دیگر امویان از پیش‌گویی‌های روایت شده از پیامبر (ص) و امام علی (ع)، در انتظار فروپاشی خویش به وسیله صحبان پرچم‌های سیاه بودند و از آن روی که آنان به وسیله بنی عباس از بین رفتند و بنی عباس با پرچم‌های سیاه از خراسان قیام خویش را آغاز نمودند راهی برای تطبیق آن بر قیام موعود جهانی حضرت مهدی (عج) نخواهد بود. (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰)

احادیث مستند پرچم‌های سیاه، از علایم ظهور امام مهدی نیستند. در دوره‌های اخیر، برخی از این گزارش‌ها با سخنان غیر مستند و غیر معتبر، مخلوط شده و بر برخی جریان‌ها مانند داعش، تطبیق داده شده است.

۲-۳. خورشید گرفتگی

از دیگر علانمی که برای ظهور در منابع زیدیه ذکر گردیده است، خورشید گرفتگی می‌باشد در کتاب درر الاحادیث النبویه چنین نقل شده از جمله علانم ظهور مهدی عبارت است از: ... خورشید گرفتگی در نیمه ماه شعبان و آخر آن. (یحیی بن حسین، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۷۱)

بررسی

در منابع امامیه نیز خسوف و کسوف از علانم ظهور برشمرده شده است چنانکه امام باقر (ع) فرموده اند: «پیش از قیام قائم دو علامت رخ خواهد داد که این دو علامت بعد از استقرار آدم (ع) بر روی زمین تا کنون رخ نداده اند، یکی از آن خورشید گرفتگی در وسط ماه رمضان و بعدی ماه گرفتگی در انتهای ماه رمضان می‌باشد؛ فردی پرسش نمود: ای فرزند پیامبر (ص) خورشید گرفتگی در انتهای ماه و ماه گرفتگی در میانه ماه می‌باشد؟ حضرت جواب دادند: آگاه هستم که چه می‌گویی ولی این دو علانمی می‌باشند که از زمان استقرار آدم (ع) تا کنون رخ نداده اند.» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۱۲)

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «علامت خروج مهدی علیه السلام کسوف خورشید در روز سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ص ۲۴۲)

همچنین شیخ مفید خورشید گرفتگی را در وسط ماه رمضان و ماه گرفتگی را در انتهای رمضان که بر خلاف عادت همیشگی است را از علانم ظهور دانسته. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۸۵)

در بررسی این علانم باید دید آیا اینها اعجاز گونه رخ می‌دهند یا به صورت طبیعی پدید خواهند آمد

صور مختلفی برای رخ دادن این علانم می‌توان فرض نمود:

- ۱) قابل انطباق و تحقق بودن با محاسبه علمی اما با تغییر در زمان که با علم جدید قابل مناقشه خواهد بود.



۲) مشاهده شدن این دو علامت در سیارات دیگر منظومه شمسی؛ این احتمال منافی با ظواهر احادیث می باشد

۳) این دو رخداد توسط اجرام آسمانی به صورت ناگهانی شکل پذیرند و این اجرام بین ماه و خورشید یا بین خورشید و زمین فاصله بیندازند.

۴) خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی توسط اجرامی باشد که از سوی زمین در هوا معلق شده باشند چون امکان دارد با پیشرفت علم، بشر بتواند قسمت های بزرگی از زمین را در هوا معلق سازد که منجر به خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی شود.

۵) به صورت اعجاز گونه خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی رخ دهد که شواهدی دال بر اثبات این امر موجود است:

در اکثر احادیث مربوط به این علائم اینگونه ذکر شده که این دو نشانه از عصر حضرت آدم (ع) تا آن زمان رخ نداده پس اگر این علائم طبیعی می بودند باید در طول تاریخ بشری در خارج رخ می دادند. به همین جهت به گونه اعجازی رخ دادن این دو نشانه با علائم ظهور سازگاری دارد. (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۸۵)

۳-۳. فراگیر شدن جهان از ظلم

از جمله علانمی که برای ظهور در منابع زیدیه وارد شده است فراگیر شدن جهان از ظلم می باشد. یحیی بن حسین (هادی الی الحق) از رسول خدا (ص) نقل کرده است که گفت: «مهدی آن هنگام ظهور خواهد کرد که فتنه ها انبوه، کتاب و سنت تعطیل و مغفول، فساد و افساد فراوان، ریا و رشوه بسیار، ظهور سفاح، امر به معروف و نهی از منکر تعطیل و ... شده است و با ظهور او زمین از عدل سرشار می گردد کما اینکه از ستم پر شده بود». (صعدی، ۱۴۲۲، ص ۱۴۱-۱۴۲)

روایات زیر که از امام علی (ع) و نیز برخی امامان بعدی زیدیه نقل کرده اند، باید اشاره کرد: امام علی (ع)، از نبی اکرم (ص) روایت کرده است: «از دنیا حتی اگر یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی می کند تا این که مردی از اهل بیت من را برمی انگیزاند که زمین را پر از عدل می کند همچنان که از ظلم پر شده است». (کوفی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۷۳)

عبدالله بن حمزه نیز روایت می کند: «مردی در یمن در آخرالزمان ظهور می کند که زمین را از عدل پر می کند همان طور که از ظلم پر شده است». (عبدالله بن حمزه، ۱۴۲۲، ص ۲۲۰)

بررسی

فراگیر شدن ظلم و جور، از علائم معروف ظهور حضرت مهدی (ع) به شمار است. روایات زیادی این علامت را بیان نموده اند که در برخی به همین صورت تبیین شده است همانند روایتی که می فرماید: «به وسیله ظهور مهدی (ع)، خداوند زمین را از عدل و داد پر می نماید بعد از آن که از ظلم و سر پر شده بود» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۶۴)

همچنین از خود امام زمان (عج) روایت شده که فرمودند «علامت ظهور من، رشد هرج و مرج و فتنه ها و آشوب ها می باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۱، ص ۳۲۰)

در ارتباط با علائم ظهور، علامه مجلسی از امام صادق (ع) حدیثی را بیان کرده اند در بردارنده پیش گویی از بیش از یکصد قسم از انحرافات و گناهانی است که در عصر غیبت جوامع اسلامی دچار آن می شوند. (همان، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰)

علاوه بر آن رشد حکمرانی مستکبرین بر روی زمین و تحت ستم و محرومیت واقع شدن بندگان حقیقی که بر اساس روایات وارده از ائمه (ع) در آستانه ظهور رخ خواهد داد از دیگر نمونه های گسترش ظلم و جور در جهان می باشد.

۴-۳. جنگ های خونین

از جمله علانمی که برای ظهور مهدی در منابع زیدیه وارد شده مسئله جنگ های خونینی است که قبل از ظهور مهدی روی می دهد.

ابن عقده روایتی را از امام باقر (علیه السلام) ذکر می کند که آن حضرت فرمود: قائم قیام نخواند کرد مگر آن زمان که مردم را خوفی سخت در بر گرفته و زمین لرزه ها و بلاها دامنگیرشان گردد و قبل از آن طاعون رسیده باشد و خنجری بُرنده در بین عرب باشد و میان مردم تفرقه ایجاد شود به گونه ای که دینشان از بین رفته و احوالشان متغیر گردد به حدی که هر صبح و شام از دست آزار و قتل یک دیگر تمنای مرگ نمایند. (فهری، ۱۳۶۲، ص ۲۹۸)

همچنین وی از امام صادق علیه السلام روایتی را بیان می کند که حضرت فرمود: «ناچار باید پیش از قیام قائم سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و از دو ناحیه ترس و سختی آنان را فرا گیرد از کشتار و از کم بود ثروتها و جانها و میوه ها و این مطلب در کتاب خدا بطور روشن بیان شده است سپس این آیه را تلاوت فرمود: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (همان، ص ۲۹۳)





در کتاب درر الاحادیث النبویه چنین آمده است: «از جمله نشانه های ظهور مهدی عبارتند از: برای ظهور مهدی و قیامت نشانه‌هایی است که عبارتند از: ... کشته شدن فردی از تبار حسین (ع)، ذبح مردی هاشمی بین رکن و مقام، خروج فردی یمانی، ظهور فردی در مصر، قتل اهالی مصر، رحم به دیگران نشانه ضعف و ظلم به دیگران سبب فخر، سلاطین فاجر...» (یحیی بن حسین، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۷۱)

بررسی

در منابع امامیه نیز جنگ‌های خونین از علائم ظهور دانسته شده، این جنگها که بین اهل باطل برای کسب منافع مادی و دنیوی رخ می دهد، عاقبت امر برایشان هیچ نفعی و ثمره ای در بر نخواهد داشت جز بر جا ماندن کشته های فراوان، اینگونه خونریزیها ثمره فراگیر شده فساد و ظلم در زمین می باشد.

از قرائن و شواهد بر می آید که این خون ریزیهای بزرگ، در اثر خروج سفیانی و قتل و کشتاری است که بدست وی رخ خواهد داد و رخداد جداگانه ای نمی باشد، البته این نیز احتمال دارد که مراد از این احادیث همان از بین بردن استکبار و دشمنان عدالت در عصر ظهور توسط امام (عج) باشد به همین جهت این رخدادها علامت ظهور نخواهند بود بلکه از وقایعی هستند که در عصر ظهور رخ خواهد داد.

۳-۵. طلوع خورشید از مغرب

از جمله علائمی که برای ظهور در منابع زبده وارد شده طلوع خورشید از مغرب می باشد هادی الی الحق یحیی بن حسین چنین نقل کرده است که از جمله علائم ظهور مهدی، طلوع خورشید از مغرب است. (یحیی بن حسین، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۷-۴۷۱)

بررسی

اگر طلوع خورشید از مغرب به همان معنای ظاهری آن بخواهد رخ دهد لازمه آن تغییر در نظم عادی جهان طبیعت و دگرگونی در حرکت منظومه شمسی می باشد و این امر منافعی با قوانین حاکم بر نظم جهان طبیعت است در حالی که به طور حتم حضرت مهدی (ع)، بر روی همین زمین، حکومت جهانی خویش را بنا خواهند نمود. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۱) لذا می توان گفت که مراد از طلوع خورشید از مغرب، کنایه از ظهور آن حضرت باشد. چنانکه در تبیین حدیثی در

این رابطه فیض کاشانی چنین می گوید: «وكانه كُتبي بطلوع الشمس من مغربها في الحديث عن ظهوره (ع) كما يظهر من بعض الأخبار» (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۴۶)

بر این اساس، طلوع خورشید از مغرب، دارای معنای کنایی است که در واقع ظهور امام (عج) بعد از مدت زمان زیادی از غیبت به طلوع خورشید از غروبگاهش تشبیه گردیده است.

نتیجه

در جمع بندی و نتیجه گیری این نوشتار باز خوانی نکات زیر ضروری است:

با توجه به کثرت روایات در ارتباط با سفیانی و ذکر آنها در منابع امامیه و صحیح السند بودن برخی از آنها، امکان رد تمام احادیث این باب وجود ندارد لذا می توان با پذیرش اصل اخبار سفیانی، درباره جزئیات مربوط به آن قائل به توقف شد. از دیگر علائم حتمی در نزد زیدیه «خسف بیداء» به معنای فرو رفتن در زمین است که بعد از اعلام ظهور توسط امام مهدی (عج) سفیانی سپاه خود را به دنبال ایشان می فرستد و آنها در سرزمین بیدا «بین مکه و مدینه» در زمین فرو رفته و همه سپاهش نابود می شوند؛ خروج یمانی از دیگر علائم حتمی ظهور نزد زیدیه است که در بررسی دانستیم اجمالاً از علائم حتمی ظهور است، هر چند جزئیات و چگونگی قیام وی روشن نیست.

در ارتباط با قتل نفس زکیه که اگر مجموع روایات در مورد نفس زکیه را مردود ندانیم به اجمال بر مطلبی دلالت می کند که قتل نفس زکیه می تواند به عنوان یک پیش گویی درباره ظهور صحیح باشد.

صیحه آسمانی از دیگر علائم حتمی ظهور نزد زیدیه بود که دریافتیم احادیث مربوط به آن در حد تواتر است، به طوری که جای هیچ گونه شک و شبهه ای در این مورد باقی نمی گذارد.

با توجه به بررسی علائم غیر حتمی ظهور از دیدگاه زیدیه می توان گفت:

مراد از روایات رایات سود، خروج و انقلاب ابومسلم خراسانی بر ضد امویین است، انقلابی که زمینه را برای ظهور دولت عباسیین فراهم آورد؛ و لذا می توان این علامات را از علائم پیشین دانست که زمان طولانی از وقوع آن گذشته است. همچنین زیاد شدن فسادها و آلودگیها در میان مردم، در واقع، نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. البته فساد و گناه، کم و بیش، در میان مردم بوده، مهم، فراگیر شدن آن است، به گونه ای که بدیها بر خوبیها، ضدارزشها، بر ارزشها، غلبه می یابد و لهیب آتش فساد و تباهی، دامن همه را می گیرد و جامعه انسانی در باتلاق فساد و انحطاط فرو می رود.

و جنگ‌های خونین، در همان واقعه‌ی خروج سفیانی و آشوب‌های آن زمان است و حادثه‌ای جداگانه‌ای نیست. این احتمال نیز وجود دارد که منظور از این روایات، درهم کوبیدن مستکبران و دشمنان حق و عدالت باشد که در زمان ظهور و به دست مهدی (ع) انجام می‌شود، بنابراین از وقایع دوران ظهور است، نه نشانه ظهور؛ منظور از طلوع خورشید از مغرب، کنایه از ظهور حضرت مهدی (ع) است؛ همان‌گونه که خورشید، پس از غروب، طلوع می‌نماید. حضرت مهدی (ع) نیز، پس از سپری شدن عصر غیبت، ظهور می‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقانیس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، قم، دار الزهراء، ۱۳۸۶ ش.
۴. رضوانی، علی اصغر، علائم ظهور، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۵ ش.
۵. زید بن علی، مجموع کتب و رسائل الإمام الأعظم، تحقیق: ابراهیم یحیی الدرسی، صعده، مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۲ ق.
۶. سلیمانیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۷. شریف، یحیی امین، معجم الفرق الاسلامیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ ق.
۸. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، کتاب الملل و النحل، تخریج محمد بن فتح الله بدران، مکتبه الانجلو المصریه، القاهره، ۱۹۵۶ م.
۹. شیخ حسینی، مختار، جنبش انصارالله یمن، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. صدر، محمد، تاریخ الغیبه الکبری، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. سعدی، عبدالله بن محمد بن حمزه، درر الاحادیث النبویه بالاسانید الیحيویه، تحقیق عبدالله بن حمود العز، صنعاء: موسسه امام زید بنن علی الثقافیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن، الغیبه، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق دکتر مخزومی، قم، دار الهجره، چاپ ۲، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. فرمانیان، مهدی، موسوی نژاد، سید علی، زیدیة تاریخ و عقاید، نشر ادیان، قم، ۱۳۸۶ ش.



۱۸. فهري، سيد احمد، ترجمه غيبت نعماني، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۲ ش.
۱۹. فيض كاشاني، مولا محسن، الوافي، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات، ج اول ۱۴۰۲ ق.
۲۰. كليني رازي، ابو جعفر محمد، اصول كافي، تصحيح و تليق، غفاري علي اكبر، تهران دارالكتب الاسلاميه، چاپ ۳، ۱۳۸۸ ق.
۲۱. كوفي، محمد بن سليمان، مناقب امام علي بن ابي طالب، قم، مجمع احياي فرهنگ اسلامي، ۱۴۲۳ ق.
۲۲. متقي هندی، علي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. مجموع كتب و رسائل الامام زيد بن علي، به كوشش محمد يحيى سالم عزان، دار الحكمة اليمانية للطباعة و النشر و التوزيع و الاعلان، صنعاء، چاپ ۱، ۱۴۲۱ ق.
۲۵. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. المنصور بالله، عبدالله بن حمزه، العقد الثمين في الاحكام ائمه الطاهرين، صنعاء، موسسه الامام زيد بن علي الثقافيه، ۱۴۲۲ ق.
۲۷. نعماني، محمد بن ابراهيم، غيبت نعماني، ترجمه محمد جواد غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۸۷ ش.
۲۸. هادي الي الحق، يحيى بن حسين، الاحكام في الحلال و الحرام، بي نا، بي جا، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. هادي الي الحق، يحيى بن حسين، تثبيت الامامة، دار الامام السجاد (ع)، چاپ دوم، بيروت ۱۴۱۹ ق.